

اسطوره آفرینش در آیین مانی،
ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات
فکرروز، ۱۳۷۵، بها: ۷۵۰۰ ریال

سالهاست فرهنگ، ادیان و ادب ایران پیش از اسلام دستمایه کارهای محققان خاورشناسان و برخی از محققان داخلی است، اهل فرهنگ مغرب زمین با برخورداری از ابزارهای تکنولوژیک کشف و با انگیزه شناخت بنمایه‌های فرهنگی مشرق زمین، زوایای پنهان و آشکار فرهنگ این مردمان را به کاوش کشیده‌اند، و الحق که دستاوردهایی مهم به دست آورده‌اند. یکی از موضوعهای مورد علاقه محققان خارجی و داخلی، تحقیق در خصوص ادیان ایران پیش از اسلام است. آیین مانوی، این آیین ایستاده بر اندیشه دوئینی - روشنایی و ظلمت - از جمله آیینهایی است که با سرگذشت تراژیک اعلام کننده‌اش و با ایده‌های بشارت‌دهنده، اعمال و احکام سخت‌گیرانه‌اش، همواره برای اهل تحقیق، جذاب و برانگیزنده بوده است. کتاب اسطوره آفرینش در آیین مانی، نوشته دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، نیز تجلی این جذابیت است.

نویسنده، در دیباچه کتاب ضمن بیان شرح مختصری از احوال و آثار مانی، به تفصیل اسطوره دوئینی نور و ظلمت را که بنیان اندیشه‌ها

و اعتقادات ماننی را تشکیل می‌دهد، بیان می‌کند. ماننی اندیشهٔ دوبنی نور و ظلمت را از آیین زرتشت به وام گرفت، و با باورهای «گنوسی» که خود پرورش یافتهٔ آن بود، درآمیخت. نور و ظلمت در باور ماننی، دو نیروی ازلی هستند که هر یک دارای اقلیم خاصی بوده، و در ستیز دائمی به سر می‌برند. این ستیز با یورش تاریکی و ظلمت به سرزمین نور آغاز می‌شود، و با آمیخته شدن نور و ظلمت ادامه می‌یابد، و در نهایت، در پایان جهان، در رستخیز بزرگ، این دو نیرو از هم جدا می‌شوند و «بار دیگر دوران زرین جدابودگی نور و ظلمت فرارسد و همهٔ رستگاران با جامهٔ نورانی و دیهیم روشنی بر سر، به دیدار پدر بزرگی یا زروان بی‌کرانه درآیند و غرقهٔ تماشای وی و غرقه نور گردند.» (ص ۲۳)

نویسنده، بعد از آوردن دیباچه‌ای درخور تأمل، در مطلبی تحت عنوان «آموزهٔ مانوی»، نخست از تأثیر آیین «گنوسی» در آموزهٔ ماننی سخن می‌گوید؛ سپس از سه مرحلهٔ آفرینش در آیین ماننی مطالبی خواندنی ارائه می‌کند، در ادامه، نویسنده آثار ماننی و مانویان و مجموعه‌های دیسنی مانوی را برمی‌شمرد و آنگاه، دربارهٔ دستنوشته‌های مانوی که به زبانهای مختلف کشف و قرائت گردیده است، مطالبی محققانه می‌آورد، این نوشته‌ها، به زبانهای قبطی، فارسی میانه و پارتی، چینی، سغدی، ترکی، سریانی و عربی و فارسی است.

نویسنده در توضیحاتی که دربارهٔ هر یک از این نوشته‌ها می‌دهد، چگونگی کشف، قرائت و چاپ آنها را به تفصیل بیان می‌کند. بخش نخست کتاب اسطورهٔ آفرینش در آیین ماننی، «بازسازی و روایت اسطورهٔ آفرینش مانوی» نام دارد، این بخش با برشمردن

ایزدان اسطوره آفرینش و خویشکاری آنان آغاز می‌شود. نویسنده شمار ایزدان مانوی را که تاکنون در منابع اصیل شناخته شده است، بیست و چهار می‌داند، وی ضمن ارائه شجرنامه هر یک از این ایزدان بیست و چهارگانه، خویشکاری آنان را در ارتباط با اسطوره آفرینش مانوی توضیح می‌دهد. بخش نخست کتاب با بازسازی و روایت اسطوره آفرینش مانوی ادامه می‌یابد. «در آغاز دو گوهر بود، گوهر روشنی و گوهر تاریکی، گوهر روشنی در بالا، در بهشت روشنی می‌زیست که از سوی خاور، باختر و شمال بی‌کرانه و از سوی نیمروز با سرزمین تاریکی هم مرز بود. گوهر تاریکی نیز در پایین می‌زیست که از سوی خاور، باختر و نیمروز بی‌کرانه، و از سوی شمال با بهشت روشنی هم مرز بود. شهریار بهشت روشنی پدر بزرگی، و فرمانروای سرزمین تاریکی اهریمن نام داشت.» (ص ۵۵)

در بخش «بازسازی و روایت اسطوره آفرینش مانوی» نویسنده، هر یک از مفاهیم به کار گرفته شده در این اسطوره، مثل بهشت روشنی، سرزمین تاریکی، آفرینش نخست و آفرینش دوم، را به تفصیل شرح و بسط می‌دهد.

در اسطوره آفرینش مانوی، آفرینش در سه مرحله انجام می‌شود، در آفرینش نخست، «هرمز دبغ» از مادر زندگی متولد می‌شود تا در برابر یورش اهریمن به بهشت روشنایی، ایستادگی کرده و به سرزمین تاریکی یورش برد، وی با پنج فرزندش: فروهر، باد، روشنی، آب و آتش، به جنگ اهریمن و دیوان می‌رود. اما به دست دیوان گرفتار می‌شود و دیوان پاره‌های نور فرزندانش را می‌بلعند. «هرمز دبغ» پس از اسارت و افتادن در مفاک تاریکی از مادر زندگی طلب کمک می‌کند، مادر زندگی نیز از پدر بزرگی درخواست می‌کند که کسی را به

یاری فرزندش بفرستد. در اینجا مرحله آفرینش دوم آغاز می‌شود، و پدر بزرگی، دوستِ روشنان، یعنی نخستین ایزد آفرینش دوم را فرا می‌خواند و به یاری «هرمز دبغ» می‌فرستد. دوست روشنان به نوبه خود، ایزد دیگری را به یاری فرا می‌خواند و به این ترتیب، ایزدانی چند به یاری «هرمز دبغ» گسیل می‌شوند، و سرانجام «هرمز دبغ» به یاری مهر ایزد به بهشت روشنی آورده می‌شود و اهریمن و دیوانِ سرزمین تاریکی دستگیر، و سرزمین آنان نابود می‌شود. مهر ایزد پس از فراغت از ستیز با جهان تاریکی به بهشت روشنی می‌آید و با مادر زندگی به طرح جهان می‌پردازد، در حقیقت خلق کیهان در آفرینش دوم صورت می‌گیرد. آفرینش سوم پس از خلق کیهان آغاز می‌گردد. در این مرحله از آفرینش، «شهریار بهشت روشنی به ورج و کلام مقدس خویش سه ایزد آفرید: نریسه ایزد، عیسای درخشان و دوشیزه روشنی». (ص ۶۶)، در حقیقت به تدبیر نریسه ایزد که خود را با دوشیزه روشنی در برابر دیوان دربند ظاهر می‌سازد، گیاهان و غولان بر روی زمین (خشکی و آب) پدید می‌آیند.

خلق انسان در آفرینش سوم صورت می‌گیرد، داستان خلقت ادمی در اسطوره آفرینش مانوی، زیباترین و خواندنی‌ترین اسطوره خلقت است، در واقع انسان در این اسطوره، از نسل دیوان به وجود می‌آید. اگرچه پاره‌هایی از نور را نیز با خود دارد. اولین انسان در اسطوره فوق‌الذکر «گهمرد» نام دارد که از فرزندان دو دیو به نام «اشقلون» و «پیسوس» به تدبیر دیو آز به وجود آمده است. دومین انسان «مردیانه» است که دیو آز آن را به صورت دوشیزه روشنی می‌سازد. و همین نخستین زن است که با شهوت «گهمرد» را می‌فریبد و اسباب شادی دیو آز و دیگر دیوان می‌شود. با استتار این مرد و زن

بر روی زمین، همه چیز به واسطه آزمندی آنها رو به نابودی می‌رود. اما بزه‌کاری انسان بر روی زمین، پدر بزرگی و دیگر ایزدان را بر آن می‌دارد که فرستادگانی به سوی انسان گسیل دارند تا دانش و نیکوکاری را بر آنان فرود آورند و آنان را از زندان اهریمن و دیوان نجات دهند. این پیام‌آوران «عیسای درخشان» و دوشیزه روشنی هستند، این دو، بر انسان ظاهر شدند و عیسای درخشان، راز بهشت و ایزدان، دوزخ و اهریمنان و زمین و آسمان را به گهمرد بازگفت و او را از «مردیانه ترساند و از وی خواست که از این زن دوری جوید.» (ص ۷۰)

گهمرد با دریافت پیام سرزمین روشنی به خود آمد و سخت گریست، اما مردیانه همچنان با دیوان همراه بود، و با آنان در می‌آمیخت و حاصل این آمیزشها، فرزندان بود که باعث تداوم نسل می‌شدند، اما گهمرد با وجود دریافت بشارت از سوی ایزدان و فرشتگان سرزمین روشنی بار دیگر با مردیانه آمیزش کرد و حاصل این آمیزش پسری به نام «شیث» بود.

وجود «شیث» مایه حسادت «اشقلون» شد. وی در صدد از بین بردن شیث بود، اما گهمرد به اراده ایزدان او را نجات داد، و سرانجام گهمرد با شیث به خاور به سوی روشنی و دانش ایزدی رفتند. و در آنجا ماندند، تا درگذشتند و به بهشت رفتند. اما مردیانه و فرزندان او سرنوشتی غم‌انگیز داشتند: آنها رهسپار دوزخ گشتند، و در آنجا مقیم شدند. «بدین گونه همه آدمیان از نسل گهمرد و مردیانه‌اند، آدمیان هرچند به پیکر نریسه‌ایزد و دوشیزه روشنی‌اند، تباری اهریمنی و دیوی دارند، اما در هر یک از آدمیان پاره‌هایی از نور محبوس است و رسالت آنان رهایی همین پاره‌های نور است.» (ص ۷۲)

بخش دوم کتاب اسطوره‌آفرینش در آیین مانی، به متون مربوط به اسطوره‌آفرینش مانوی اختصاص دارد. نویسنده، ابتدا در این بخش، اسطوره‌آفرینش مانوی را در نوشته‌های مانی و مانویان، با استفاده از متون فارسی میانه و پارتی، سغدی، قبطی، چینی و اویغوری بیان می‌کند، و آنگاه نوشته‌های غیر مانویان را درباره‌ی اسطوره‌آفرینش مانوی با استفاده از متون عربی، فارسی، سریانی، لاتینی و یونانی به تفصیل شرح می‌دهد.

کتاب اسطوره‌آفرینش در آیین مانی، دارای فهرست متون مربوط به اسطوره‌آفرینش مانوی است، همچنین نویسنده در بخشی جداگانه، نامها و واژه‌هایی را که مربوط به اسطوره‌آفرینش در آیین مانی است، شرح و توضیح می‌دهد. قابل ذکر است که پی‌نوشت‌های هر بخش از کتاب در پایان همان بخش آورده شده است و کتاب دارای نمایه مفصلی است.

کتاب اسطوره‌آفرینش در آیین مانی، شاید جزء معدود آثار تحقیقی در زبان فارسی باشد که نویسنده آن از شیوه‌های علمی و تحقیقی در کتاب خود بهره برده است، احاطه نویسنده بر زبانهای باستانی و استفاده‌اش از متون انگلیسی اثر او را در حد آثار علمی بلند پایه قرار داده است.

بلقیس سلیمانی